

حمله بیمار عصبی

به تکنیسین اورژانس

گروه حوادث/ فردی که در جریان یک حادثه رانندگی دچار جراحات شده بود در حین انتقال به بیمارستان با جاقو، یکی از کارشناسان اورژانس را مجروح کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، دکتر سلطانی، رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان قزوین در این باره گفت: جمعه شب، خبر یک تصادف در منطقه آقاپایا به پایگاه اورژانس این منطقه اعلام شد، کارشناسان اورژانس برای پوشش مأموریت

تصادف به آدرس اعلام شده، اعزام شدند. پس از رسیدن به محل حادثه، برای انجام معاینات و آسیب‌های احتمالی به بررسی مصدوم پرداختند که با پرخاشگری مصدوم و اطرافیان وی مبنی بر عدم نیاز به انتقال مصدوم به بیمارستان مواجه شدند. در پی این برخورد، کارشناسان اورژانس اعلام کردند که به خاطر شدت جراحات وارده مصدوم باید به بیمارستان منتقل شود که مصدوم در حین انجام اقدامات درمانی شروع به بی‌احترامی و ضرب و شتم کارشناس اورژانس کرده و با جاقو چند ضربه به بدن یکی از کارشناسان اورژانس زد.

رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان قزوین تصریح کرد: با این همه، مصدوم به بیمارستان تأمین اجتماعی تحویل داده شد و کارشناس اورژانس به دلیل آسیب‌های وارد شده در بیمارستان بستری شد. رسیدگی به این موضوع از طریق مراجع قضایی، پیگیری می‌شود.



تصاویر

«ماه‌هور» را پیدا کنید



گروه حوادث/ ردیاب‌های پلیسی برای یافتن پسر ۱۸ ماهه‌ای که از سوی دو زن ناشناس در منطقه شهری رپوده شده است در حالی ادامه دارد که بازپرس جنایی با درخواست انتشار عکس این کودک در مردم خواست چنانچه از محل نگهداری وی خبر دارند موضوع را به پلیس اطلاع دهند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۱۸ آبان امسال صدای فریادهای کمک خواهی زن جوانی در میدان مدرس شهری، توجّه کسبه و رهگذاران را به خود جلب کرد؛ زن جوان فریاد می‌زد: «بچه‌ام را زدیدند، مردم کمک کنید.» به دنبال فریادهای زن جوان، موضوع به کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت اعلام و تحقیقات برای یافتن کودک ربوده شده آغاز شد.

زن جوان در تحقیقات اولیه گفت: مدتی قبل، از شوهرم جدا شدم اما پسرم به نام ماهور از نزد خودم نگه داشتم. در این مدت در بازار دستفروشی می‌کردم. روز حادثه دو زن جوان به سرانگ آمدند و یک لیوان چای تعارف کردند. وقتی جای را خوردم در حالی که پسر

زن جوان در تحقیقات اولیه گفت: مدتی قبل، از شوهرم جدا شدم اما پسرم به نام ماهور از نزد خودم نگه داشتم. در این مدت در بازار دستفروشی می‌کردم. روز حادثه دو زن جوان به سرانگ آمدند و یک لیوان چای تعارف کردند. وقتی جای را خوردم در حالی که پسر

بازداشت پرستار خانگی بعد از مرگ مشکوک پیرمرد

گروه حوادث/ به دنبال مرگ مشکوک پیرمرد ثروتمند، پرستار خانگی وی که ۱۵۰ میلیون تومان از حساب وی برداشت کرده بود، بازداشت شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۷ شب پنجشنبه ۲۸ بهمن، مرگ مشکوک مردی ۸۴ ساله به مأموران کلانتری ۱۶۳ ولنجک اعلام شد. دقایقی بعد بازپرس حبیب الله صادقی و تیم جنایی وارد عمل شد.

در بررسی‌های اولیه پرستار خانگی پیرمرد به مأموران گفت: او به تنهایی زندگی می‌کرد و من برای نگهداری‌اش مدتی بود که به خانه‌اش آمده بودم. دخترش هم ساکن آمریکا بود و تلفنی با هم در تماس بودند. روز حادثه بعد از اینکه کارها را انجام دادم به سراغش رفتم اما هر چه او را صدا زدم جواب نداد. نگران شدم و به اورژانس زنگ زدم. وقتی امدادگران آمدند به من گفتند که فوت کرده است.

در حالی که مرد جوان چنین ادعایی داشت، در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد چند روز قبل از مرگ پیرمرد از حساب او ۱۵۰ میلیون تومان برداشت شده و به حساب این مرد واریز شده است. با برملا شدن این موضوع دوباره از پرستار تحقیق شد و او گفت: چند روز قبل از مرگ پیرمرد صحبت می‌کردم. او گفت از آنجایی که برای پدرم زحمت زیادی می‌کشی و خیلی به او محبت می‌کنی، از حساب پدرم ۱۵۰ میلیون تومان بردار و به حساب خودت واریز کن. من هم طبق خواسته دخترش این کار را انجام دادم.

باتوجه به مرگ مشکوک پیرمرد، جسد برای مشخص شدن علت مرگ به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور بازداشت پرستار خانگی و تحقیق از دختر مقتول در خصوص ادعای واریز ۱۵۰ میلیون تومان را صادر کرد.



گفت: من فریب حرف‌های این زن را خوردم و به دنبال عشق کاذبی که به او داشتم، دست به این جنایت زدم. من خودم را مقصر می‌دانم و الان בשدت از این ماجرای که رخ داده است، پشیمانم. او در شرح واقعه به قضات دادگاه گفت: وقتی در فضای مجازی با این زن آشنا شدم، نمی‌دانستم که چه سرانجام شومی در انتظارم است. قبول دارم که کارم اشتباه بوده است. وقتی این زن برایم درد دل می‌کرد و از شوهرش بد می‌گفت، حرف‌هایش را باور کردم و با خودم گفتم باید او را از دست شوهرش نجات دهم. آنقدر دلباخته او شده بودم که عقلم کار نمی‌کرد. او در حالی که از اولیای دم طلب بخشش داشت خودش را مستحق اعدام دانست. با پایان اظهارات متهم، همسر مقتول که به اتهام معاونت در قتل پای میز محاکمه ایستاده بود در حالی که سرش را پایین انداخته بود، گفت: من از پدرومادر همسرم خجالت می‌کشم و شرم‌نده آنها هستم. من ۱۲ سال با این مرحوم زندگی کردم اما به خاطر اخلاق و رفتارش همیشه در عذاب بودم. او حتی مانع فرزنددار شدن من بود؛ این ماجراها آنقدر هر روز تکرار شد تا اینکه در فضای مجازی با کسی آشنا شدم که انگار او حرف‌های مرا می‌فهمید و از حرف زدن با او آرامش می‌گرفتم. من اشتباه کردم باید هر طور بود شوهرم را وادار می‌کردم مرا طلاق بدهد نه اینکه نقشه قتل او را بکشم. پس از پایان اظهارات متهمان و ختم جلسه رسیدگی، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

به خاطر هیچ اجنبیت

بود با جاقوی یکی از سرشنسبان برابرد مجروح و به بیمارستان منتقل شد اما جان باخت. تحقیقات به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت برای دستگیری متهمان فراری ادامه دارد. **■ دومین جنایت**

شامگاه جمعه ۲۹ بهمن مأموران کلانتری نازی آباد در تماس با بازپرس ساسان غلامی از مرگ پسر ۱۷ ساله‌ای در بیمارستان یثرائر اصابت ضربه جاقو و دستگیری عامل این جنایت که او نیز پسری ۱۷ ساله بود خبر دادند. به دستور بازپرس جنایی تحقیقات از پسر نوجوان آغاز شد و او گفت: من و دوستانم با هم بودیم و مقتول و دوستش هم در حال عبور بودند که همدیگر را دیدیم. قبل از آن هم مقتول را می‌شناختم ما به خاطر علاقه به یک دختر با هم اختلاف داشتیم. آن شب سر اینکه از این کوچه نباید رد شویم بین مادرگیری بالا گرفت و ناخواسته من با جاقویی که همراه بود ضربه‌ای به مقتول زدم. مقتول که روی زمین افتاد، متوجه شدم چه اشتباهی مرتکب شده‌ام. باتوجه به سن عامل جنایت، به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت پرونده او به دادسرای اطفال ارجاع شد و تحقیقات ادامه دارد.

کسی از محل نگهداری این کودک و از سرنوشت او اطلاع دارد با پلیس ۱۱۰ یا اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت به شماره ۵۱۰۵۵۵۱۱ تماس بگیرند یا به دادسرای شهری مراجعه کنند.

نتیجه‌ای نرسیده است. بنابراین بازپرس شعبه هشتم دادسرای شهری با درخواست انتشار تصویر کودک ربوده شده در رسانه‌ها از مردم خواست چنانچه

پشیمانی همسر از دسیسه قتل شوهر برج‌ساز

گروه حوادث/ مرد آرایشگر که با همدستی زنی جوان، شوهر برج‌ساز او را به قتل رسانده بود در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز پای میز محاکمه رفتند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سه سال قبل زن جوانی با مرکز فوریت‌های پزشکی تماس گرفت و برای نجات شوهرش درخواست کمک کرد. وقتی تیم پزشکی بر بالین مرد جوان حضور یافتند متوجه شدند وی به علت خفگی جان باخته است. همسر این مرد به امدادگران گفت شوهرم در خواب دچار مشکل تنفسی شده است. بنابراین با توجه به مشکوک بودن مرگ مرد جوان خیلی زود با مأموران انتظامی تماس گرفتند و موضوع را به آنها اطلاع دادند. طولی نکشید که تیم جنایی در محل حاضر شدند و به دستور بازپرس ویژه قتل جسد روانه پزشکی قانونی شد تا علت مرگ او توسط کارشناسان تحت بررسی قرار گیرد. تحقیقات پلیس ادامه داشت تا اینکه کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کردند فشار به عناصر حیاتی ناحیه گردن علت اصلی مرگ بوده است. بنابراین با اثبات فرضیه قتل دستور تحقیق از همسر مقتول و بررسی مکالمات

تلفنی وی صادر شد. وقتی زن ۴۱ ساله تحت بازجویی قرار گرفت پس از چند روز لب به اعتراف گشود و گفت: چند سال قبل با مسعود آشنا شدم و ازدواج کردیم. اوایل، زندگی خوبی داشتیم اما شوهرم که در کار ساخت‌وساز و برج‌سازی بود، کم‌کم آنقدر سرگرم کار و پول درآوردن شد که من را فراموش کرده بود. از طرفی اخلاق و رفتارش نیز تغییر کرده و دیگر هیچ توجهی به من نداشت و من از تنهایی و مشکلات زندگی خسته شده بودم اما در همان زمان با مرد جوانی به نام منصور آشنا شدم و بعد از مدتی به هم علاقه‌مند شدیم. به همین خاطر تصمیم گرفتم از شوهرم جدا شوم اما او حاضر به جدایی و طلاق من نبود. وقتی موضوع را به منصور گفتم عصبانی شد و گفت برای اینکه با تو ازدواج کنم حاضرم شوهرت را به هر طریقی از سر راه بردارم.

بعد از اینکه تصمیم گرفتیم مسعود را به قتل برسانیم شب حادثه با خوردن داروی خواب‌آور زودتر از همیشه خوابیدم. من هم درب خانه را باز گذاشتم تا منصور وارد شود و او از خواستم نقشه قتل را اجرا کند. او

انکار تعرض به دختر جوان در ارمنستان

گروه حوادث/ مردی که متهم است در کشور ارمنستان یک دختر جوان را مورد آزار و اذیت قرار داده در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از چند ماه پیش با شکایت دختری به نام سحر آغاز شد. او در تشریح ماجرا گفت: چندی پیش در ارمنستان توسط پسری به نام خسرو مورد آزار و اذیت قرار گرفتم و در همان کشور هم شکایتی علیه او ثبت کردم اما به شکایت ترتیب اثر داده نشد و در نهایت تصمیم گرفتم در کشور خودم از این مرد شکایت کنم. وی در تشریح ماجرا عنوان کرد: سال گذشته با مرد جوانی به نام سعید آشنا شدم. او تاجر است که اقامت کشور ارمنستان را دارد. پس از مدتی به او علاقه‌مند شدم چند ماه بعد با پیشنهاد سعید به اتفاق هم برای انجام کاری به ارمنستان رفتم چون برای سعید در ایران کاری ضروری پیش آمد مجبور شد چند روز زودتر از من به ایران برگردم، او مرا به خانه دوستش خسرو برد اما وی در نبود سعید به من تعرض کرد. پس از آن شکایت کردم اما به نتیجه نرسیدم و به ایران برگشتم. با شکایت سحر، وی به پزشکی قانونی معرفی و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۹ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه شاکي با تشریح جزئیات پرونده خواستار اشد مجازات برای متهم شد. سپس متهم به جایگاه رفت و گفت: نمی‌دانم شاکي چه

نیمه‌شب به خانه ما آمد و در خواب شوهرم را خفه کرد و بعد از رفتن من با اورژانس تماس گرفتم و درخواست کمک کردم. به دنبال ادعای این زن، متهم به قتل دستگیر شد. مرد ۳۹ ساله‌ای که صاحب یک آرایشگاه بود و پس از دستگیری به قتل اعتراف کرد. این پرونده با صدور کیفرخواست از سوی نماینده دادستان به شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز منتقل شد و هر دو متهم پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده، پدر و مادر مقتول در جایگاه ایستادند و با طرح شکایت، خواستار قصاص عاملان قتل فرزند خود شدند. به دنبال طرح شکایت والدین مقتول، متهم ردیف اول این پرونده پشت‌میز محاکمه ایستاد و در حالی که اتهامش را قبول داشت،

نقشه‌ای دارد اما من او را آزار ندادم و این موضوع در ارمنستان هم ثابت شد. فکر می‌کنم او به دنبال اخذی است. در ادامه قاضی به شاکي گفت: گزارش پزشکی قانونی نشان می‌دهد که تعرضی رخ نداده است چرا مدعی هستی که مورد تعرض قرار گرفته‌اید؟ شاکي گفت: من نظریه قبلی پزشکی قانونی را قبول ندارم. من در پزشکی قانونی به طور کامل معاینه شدم و آثار جراحی در روی بدنم کاملاً مشخص بود. سپس وکیل متهم به جایگاه رفت و گفت: در نظریه اول پزشکی قانونی شاکي سالم تشخیص داده شده است اما ایشان پس از ۷ روز به اداره پلیس رفته و مدعی تعرض شده و آنها هم او را دوباره به پزشکی قانونی معرفی کردند. پزشکی قانونی یک هفته بعد از نظریه قبلی دوباره نظر داده که آثار جراحی روی بدن این خانم وجود دارد. سؤال من این است که چطور ممکن است پزشکی قانونی ابتدا متوجه جراحی‌های شدید در صورت و قسمت‌های مختلف بدن نشده باشد. شاید آثار جراحی روی بدن شاکي مربوط به حادثه دیگری باشد. ضمن اینکه شاکي خودش به منزل موکل من رفته و زور و اجباری در کار نبوده و شاکي حرف‌های متناقضی می‌زند. به هر حال با توجه به انکارهای موکلم و نظریه پزشکی قانونی و سایر ادله ارائه شده درخواست برائت موکلم را دارم. در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.